

از تحسن دربار تا ملی شدن نفت

۱ آبان ۱۴۰۴ ساعت ۱۵:۰۵

تأسیس این جبهه، اوج اعتراضات ملی‌گرایانه علیه دخالت‌های سیاسی و اقتصادی خارجی، به ویژه بریتانیا، بود. هدف اصلی، بازیابی استقلال سیاسی و اقتصادی ایران بود، هدفی که دکتر محمد مصدق، به عنوان رهبر کارزماتیک این جنبش، توانست آن را به آرمان کل ملت تبدیل کند.

جبهه ملی ایران، به عنوان یکی از مهم‌ترین جنبش‌های سیاسی-اجتماعی تاریخ معاصر ایران، در شرایطی شکل گرفت که کشور تحت نفوذ شدید خارجی و فساد داخلی قرار داشت. در دهه بیست شمسی، ایران همچنان از پیامدهای اشغال متفقین (اشغال سه‌جانبه در جریان جنگ جهانی دوم) رنج می‌برد و امتیازات نفتی ایران در اختیار شرکت نفت ایران و انگلیس (AIOC) بود که به لحاظ اقتصادی، کشور را وابسته نگه داشته بود. ساختار سیاسی نیز با ضعف مجلس و نفوذ دربار (به ویژه در دوران سلطنت محمدرضا پهلوی) دستخوش چالش‌های جدی بود.

تأسیس این جبهه، اوج اعتراضات ملی‌گرایانه علیه دخالت‌های سیاسی و اقتصادی خارجی، به ویژه بریتانیا، بود. هدف اصلی، بازیابی استقلال سیاسی و اقتصادی ایران بود، هدفی که دکتر محمد مصدق، به عنوان رهبر کارزماتیک این جنبش، توانست آن را به آرمان کل ملت تبدیل کند.

۱. تولد از اعتراض: تحسن و تأسیس (مهر و آبان ۱۳۲۸)

ریشه‌های تأسیس جبهه ملی عمیق‌تر از یک رویداد واحد است؛ اما نقطه عطف و آغاز رسمی آن، یک اقدام نمایشی و جسورانه در قلب ساختار قدرت بود.

الف. تحسن تاریخی ۱۸ مهر ۱۳۲۸

نقطه آغازین این جنبش، تحسن تاریخی روز ۱۸ مهر ۱۳۲۸ بود. این تحسن در پی برگزاری انتخابات دوره شانزدهم مجلس شورای ملی صورت گرفت که به شدت تحت تأثیر دخالت‌های دربار، عوامل حکومتی و کارگزاران وابسته به قدرت قرار گرفته بود. نتایج انتخابات، به ویژه در تهران، به گونه‌ای بود که نمایندگان ملی‌گرا و مستقل را به حاشیه می‌راند.

در این روز، دکتر محمد مصدق، که خود یکی از چهره‌های برجسته ملی‌گرا و مخالف قراردادهای استعماری بود، به همراه ۱۹ تن

از رجال سیاسی و ملی‌گرا (از جمله حائری‌زاده، کاظم‌زاده ایرانشهر، و دیگر نمایندگان مستقل) در صحن مجلس شورای ملی متحصن شدند.
اهداف تحصن:

۱. اعتراض به تقلب انتخاباتی: افشای دخالت‌های مستقیم در روند رأی‌گیری و تضییع حقوق مردم در انتخاب نمایندگان واقعی خود.
- اعلام موضع ملی: نشان دادن ایستادگی در برابر دولت مرکزی و دربار که متهم به تبانی با قدرت‌های خارجی برای حفظ وضع موجود بودند.
- این اقدام جسورانه، که یک نافرمانی مدنی علنی در نهاد قانون‌گذاری بود، نمادی از مقاومت علیه ساختارهای قدرت فاسد آن زمان شد و توجه گسترده افکار عمومی را به جریانات ملی‌گرا جلب کرد. تحصن‌کنندگان علناً اعلام کردند تا زمانی که به اعتراضاتشان رسیدگی نشود، مجلس را ترک نخواهند کرد. این فشار مردمی و سیاسی در نهایت مجبور به لغو نتایج انتخابات تهران شد.
- ب. تأسیس رسمی و ماهیت ائتلافی
- پس از پایان موفقیت‌آمیز تحصن و تشکیل مقدماتی برای سازماندهی نیروهای ملی، هسته اولیه رهبری دراول آبان ۱۳۲۸ در منزل دکتر مصدق گرد هم آمدند. در این جلسه، تصمیم به تأسیس رسمی نهادی واحد برای سازماندهی مبارزات ملی گرفته شد و نام‌جبهه ملی ایران بر آن نهاده شد.
- ماهیت جبهه ملی:
- نکته کلیدی در ساختار جبهه این بود که این نهاد، یک حزب واحد به معنای سنتی (مانند حزب توده یا حزب دموکرات) نبود؛ بلکه ائتلافی بسیار گسترده و متشکل از گروه‌ها، احزاب، و شخصیت‌های فکری با گرایش‌های مختلف بود.
- این ائتلاف حول محورهای زیر متحد شده بود:

۱. مبارزه با استعمار: پایان دادن به نفوذ سیاسی و اقتصادی خارجی، به ویژه بریتانیا.
- ملی‌سازی منابع: مهم‌ترین خواسته اقتصادی، ملی کردن صنعت نفت.
- حاکمیت ملی: تقویت اختیارات مجلس و محدود کردن دخالت‌های دربار در امور اجرایی.

گروه‌های اصلی تشکیل‌دهنده:

- حزب ایران: به رهبری دکتر غلامحسین صدیقی.
- حزب نهضت ملی ایران: شاخه فکری نزدیک به مصدق.
- جمعیت آزادی: شامل برخی شخصیت‌های مذهبی و بازار.

تعدادی از روحانیون: که از ابتدا در کنار مصدق قرار گرفتند (مانند آیت‌الله کاشانی، اگرچه نقش او پیچیده بود).

این ائتلاف به جبهه ملی اجازه داد تا پایگاهی وسیع از طبقه متوسط تحصیل کرده، دانشگاهیان، اصناف بازار، و بخشی از روحانیت کسب کند.

۲. اوج‌گیری و دستاورد بزرگ: ملی شدن صنعت نفت

پس از تأسیس، جبهه ملی مسیر خود را بر روی مهم‌ترین چالش پیش روی ملت ایران متمرکز کرد: قرارداد نفت.

الف. قرارداد ۱۹۳۳ و ضرورت بازنگری

امتیاز نفت ایران، که در سال ۱۹۳۳ میلادی بین دولت ایران (تحت نخست‌وزیری زاهدی و سلطنت رضا شاه) و شرکت نفت ایران و انگلیس (AIOC) منعقد شده بود، برای مدت طولانی (۶۰ سال) حق انحصاری بهره‌برداری از نفت ایران را به شرکت انگلیسی می‌داد. این قرارداد به دلیل شرایط ناعادلانه و سهم ناچیز ایران از درآمدهای نفتی، همواره مورد اعتراض محافل ملی بود. جبهه ملی، با رهبری دکتر مصدق، این قرارداد را ناعادلانه و "استعماری" قلمداد می‌کرد.

ب. بسیج عمومی و تصویب قانون ملی شدن

مصدق به خوبی می‌دانست که بدون حمایت مردمی گسترده، پارلمان قادر به مقابله با فشار بریتانیا نخواهد بود. از این رو، جبهه ملی با برگزاری میتینگ‌ها، صدور بیانیه‌ها و سخنرانی‌های آتشین، افکار عمومی را به سمت لزوم ملی شدن نفت سوق داد. مراحل کلیدی:

۱. تشکیل کمیسیون مخصوص: در سال ۱۳۲۹، مجلس هفدهم کمیسیونی ویژه برای بررسی قرارداد نفت تشکیل داد که مصدق رئیس آن بود.

گزارش و پیشنهاد: پس از بررسی‌های دقیق، مصدق و همفکرانش پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت را مطرح کردند که بر اساس آن، تمام دارایی‌های نفت و تأسیسات آن از مالکیت شرکت انگلیسی خارج می‌شد. تصویب قانون ملی شدن: در نهایت، با فشار بی‌وقفه جبهه ملی و حمایت عمومی، قانون ملی شدن صنعت نفت در تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ در مجلس شورای ملی تصویب شد و در اردیبهشت ۱۳۳۰ نیز سنا آن را تأیید کرد.

ج. تشکیل دولت مصدق و خلع ید

پس از ملی شدن نفت، دکتر مصدق با حمایت اکثریت قاطع مجلس و رهبری جبهه ملی، به نخست‌وزیری رسید (فروردین ۱۳۳۰). نخست‌وزیر جدید فوراً اجرای قانون ملی شدن را آغاز کرد و اقدامات لازم برای خلع ید از شرکت نفت انگلیس به عمل آمد.

این پیروزی، که در تاریخ ۳۰ ژوئن ۱۹۵۱ نهایی شد، یک دستاورد بی‌سابقه در تاریخ جنبش‌های استقلال طلب جهان سوم محسوب می‌شد. از منظر جبهه ملی، این پیروزی نه تنها یک موفقیت اقتصادی، بلکه یک پیروزی غرورآفرین ملی در برابر امپریالیسم جهانی بود.

۳. شکاف‌ها و سقوط (۱۳۳۲-۱۳۳۰)

پیروزی ملی شدن نفت، قوی‌ترین پیوند میان گروه‌های مختلف در جبهه ملی بود. اما پس از تحقق این هدف، تفاوت‌ها و اختلافات ساختاری که از ابتدا وجود داشت، به دلیل تفاوت در اهداف سیاسی پس از نفت، آشکار شد.

الف. بحران ۳۰ تیر ۱۳۳۱ و تعمیق شکاف‌ها

یکی از بحرانی‌ترین مقاطع، پس از نخست‌وزیری مجدد مصدق در پی استعفای کوتاهش بود. در قیام ۳۰ تیر ۱۳۳۱، مردم تهران با راهپیمایی‌ها و اعتراضات گسترده، مصدق را مجبور به بازگشت به قدرت کردند و وی توانست اختیارات ویژه‌ای از مجلس دریافت کند.

با تثبیت قدرت، مصدق تلاش کرد اصلاحات اداری و مالی گسترده‌ای را اجرا کند و نظامی‌گری و فساد را ریشه‌کن سازد. این اقدامات باعث شد که جبهه ملی دچار تفرقه شود:

۱. جناح راست و مذهبی (کاشانی): آیت‌الله سید حسین طباطبایی قمی (آیت‌الله کاشانی) که در ابتدا حامی اصلی ملی شدن نفت بود، به دلیل مخالفت با رویکردهای سکولارتر مصدق در اداره کشور، تضعیف جایگاه مذهب در حکومت، و به‌ویژه مخالفت با اختیارات ویژه مصدق پس از ۳۰ تیر، به تدریج از وی فاصله گرفت و به صف مخالفان پیوست.
- جناح چپ (حزب توده): حزب توده، هرچند ظاهراً از مصدق حمایت می‌کرد، اما به دلیل سیاست‌های مصدق در سرکوب کمونیست‌ها و موضع‌گیری‌های مصدق در برابر شوروی (در پرونده نفت)، به یک نیروی اپوزیسیون مخفی تبدیل شد.
- جناح نظامی و دربار: شاه و ارتش که احساس می‌کردند قدرت اجرایی آن‌ها توسط مصدق تضعیف شده است، به دنبال برکناری او بودند.

ب. تحلیل نیروی انسجام

این تفرقه‌ها، نیروی انسجام جبهه ملی را تحلیل برد. جبهه ملی دیگر آن اتحاد یکپارچه اولیه نبود که فقط بر یک هدف متمرکز باشد. مصدق ناچار بود همزمان با فشارهای بین‌المللی (تحریم نفتی) و فشار داخلی از سوی مخالفان مذهبی، سلطنت‌طلبان، و چپ‌ها دست و پنجه نرم کند. این تشتت، زمینه را برای کودتای سازمان‌یافته خارجی فراهم ساخت.

۴. پایان دوره اول و میراث (۲۸ مرداد ۱۳۳۲)

فروپاشی دولت ملی گرای مصدق، نتیجه مستقیم ناتوانی جبهه در حفظ وحدت داخلی در برابر توطئه‌های خارجی بود. نیروهای خارجی، به ویژه سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا (CIA) و بریتانیا (MI۶)، با مشاهده تضعیف دولت مصدق و اختلافات داخلی، طرح کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را اجرا کردند. این کودتا، که با حمایت مالی و نظامی گسترده و با هدایت سرلشکر فضل‌الله زاهدی انجام شد، هدف اصلی‌اش سرنگونی دولت ملی و بازگرداندن کنترل نفت به شرکت‌های غربی بود. مراحل کودتا:

۱. تلاش اول (۲۵ مرداد) ناموفق بود و مصدق توانست آن را دفع کند.

در ۲۸ مرداد، با استفاده از نیروهای نظامی وفادار به شاه، حمایت عناصر مذهبی مخالف مصدق (به بهانه مبارزه با کمونیسم)، و با بسیج اوباش و عناصر شهری، کودتا به موفقیت رسید.

دولت مصدق سرنگون شد، مصدق دستگیر و زندانی گردید و سرکوب شدید هواداران جبهه ملی آغاز شد.

با سرنگونی مصدق، جبهه ملی اول عملاً فروپاشید و فعالیت‌های آن به صورت زیرزمینی یا بسیار محدود درآمد. بسیاری از رهبران آن زندانی، تبعید، یا مجبور به سکوت شدند.

با وجود پایان ناگوار این دوره، آرمان‌های این دوره و شخصیت دکتر مصدق به عنوان نماد مقاومت ملی در برابر استبداد و استعمار در حافظه تاریخی ایران ماندگار شد. این دوره پایه‌گذار گفتمان «ملی‌گرایی سیاسی» در ایران مدرن بود.

تجربه ملی شدن نفت و شکست ناشی از شکاف‌های داخلی، درس‌های مهمی برای نسل‌های بعدی رهبران سیاسی بود و بعدها منجر به تشکیل جبهه ملی دوم (در سال ۱۳۳۹ با رهبری دکتر سنجابی)، جبهه ملی سوم و در نهایت جبهه ملی چهارم در دهه‌های بعدی شد که همگی تلاش کردند تا آرمان‌های استقلال سیاسی و اقتصادی مصدق را پیگیری کنند.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۵۰۲۲۴/نفت-شدن-ملی-دربار-تحصن>